

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : ش . حمید
ششم جولای 2013
شعر از چاووش

شعرهای مقاومت

از مجموعه "یک گام تا بيمرگی"

(یک)

به یاد ميهن

دو دیده ام ز نگاه تو سخت لبریز است
امید بودن من دیدن رهائی تست
که در منی و نگره میکنی ز دیده من
به باغ صبح تو سر میزند سپیده من

از آن گهان که در آستان قدیست
از آن گهان که ابرمرد نامبردارت
به ضرب یورش خیل مهاجمان بشکست
به پاس حرمت آزادگی به خون بنشست

از آن گهان که گردان رزم آور تو
دلم به یاد تو ای رشک خاوران بگریست
به سینه لاله خونین کفن برآوردند
دلم به یاد تو و آن دلاوران بگریست

وز آن سپس دیری ست
به دشت سینه من کین تلخ روئیده ست
وز آن سپس دیری ست
و در زمین دلم خشم سرخ گل کرده ست

صدای جاری دوشیزگانِ عاشق تو
 دگر طنینِ غزلها نیست
 طنینِ نعرهٔ حماسه های خونین است
 وز آن سپس آری!!!
 هوایِ باغِ غزلهای عاشقانه گرفت و بذری کینه به باغِ دلان جوانه گرفت

تو در هجومِ بلاها
 که بی بهارترین باغِ روزگارانِ
 صفای گلشن تو برگریزِ پائیزی ست در آن بهار که از بادِ مِشْنوم بویش

در آن بهار که با انفجارِ صاعقه ها گلابدان تو با آتشی گل آراید
 به هر کرانهٔ گلدشتِ آفتابی تو هزار لالهٔ خونین کفن به بار آید

تو بی بهارترین باغِ روزگارانِ و در تو جلوهٔ یارانِ رفته پیدا نیست
 ولی به عرصهٔ پویای زندگیسازت هنوز در رگِ تو خونِ زندگی جاری ست

بهار، آئینه، گلها، پرنده، غمگین اند به هر کرانهٔ گلباغِ ارغوانی تو
 صدایِ غلغلهٔ بالهایِ خونین است
 که میخلد در گوش

فرازِ سنگِ خونینِ آن جوانمرگان فروغِ سرخ ز رخسارِ لاله افشان است
 بهار در سفرِ خویش میرسد از راه و من به ساحتِ این دشتِ انتظار کنون
 چراغ و آئینه بر کف به راه میپایم و من که همسفرِ آن بهارِ فردایم
 بهار را به دیوارِ تو باز می آرم بهار میرسد از گِردِ راه؛ ای میهن!
 و من به یادِ تو مادر، به باغِ نیلی صبح به همصدائیِ مرغِ غان درود میخوانم

چراغِ لاله به دشتت همیشه تابان باد!!!

و آسمانِ شبانت، ستاره باران باد!!!

(چاووش - 17 دلو 1360)